

Analysis of Interdisciplinary Differences in the Structure of the Scientific Genre in the Introduction Section of Humanities Research Articles


Roya peyravi ^{1*}

Hossein
Ghorbanpoor Arani ²

Abass Zaree ³

 1. MA. in Persian language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran.
(Corresponding Author)

 2. Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran.
Email: ghorbanpoorarani@yahoo.com

 3. Associate Professor of the Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran.
Email: zare-ee72@kashanu.ac.ir

Email: roya.peyravi@gmail.com

Abstract

Purpose: The purpose of this research was to analyze the genre of the introduction section of research papers in the humanities, based on John Swales' CARS model, and to demonstrate the potential interdisciplinary differences related to this model. To this end, the introductions of research papers in three disciplines of the humanities—namely, (1) Psychology, (2) Persian Literature, and (3) Management—were analyzed using the CARS model. This analysis focused on compliance with discursive moves, as well as the expected meaning and content associated with these moves and their corresponding steps. The research aimed to explore the discursive strategies employed in the introduction sections of research papers across various fields. Additionally, the study examined whether there was a statistically significant variation in the frequency of adherence to genre-based discursive moves within the fields under investigation.

Methodology: This research was designed as a mixed-method study to analyze the genre of research in the introduction sections of research papers written in Persian, based on the CARS model, and to investigate potential interdisciplinary differences. The textual data for the research comprised the introduction sections of papers from three distinct fields of humanities, as previously mentioned. A total of 45 papers were randomly selected from indexed journals approved by the Ministry of Science over the past decade to serve as the sample. The papers were analyzed in the qualitative section of this mixed-method study using content analysis based on coding to identify the discursive moves and steps of the CARS model. Subsequently, a score was assigned to each move as a variable using the Likert scale. The mean score of the moves in the quantitative section was calculated for each paper and compared using the Kruskal-Wallis statistical test in a cross-disciplinary manner.

Findings: The results of this study indicate that compliance with the primary discursive moves, as well as the obligatory and optional steps of

Received:
13/08/2024

Revised:
18/10/2024

Accepted:
02/11/2024

Early online access:
08/11/2024

Published:
01/04/2025



Roya peyravi ^{1*}

Hossein
Ghorbanpoor Arani ²

Abass Zaree ³

Received:
13/08/2024

Revised:
18/10/2024

Accepted:
02/11/2024

Early online access:
08/11/2024

Published:
01/04/2025



the CARS model, varies significantly across the selected disciplines. In response to the first research question, papers in the management field demonstrated the highest level of compliance with this model. The first step (determining the scope of research) and the third step (addressing the research gap) exhibited the highest compliance across all three disciplines, while the second step (explaining the research gap) demonstrated the lowest compliance in each field. Furthermore, there was no evidence of compliance with the second component of the third step (introduction of the present research) in any of the disciplines. In response to the second research question, a quantitative review of the research data revealed that the average scores for compliance with discursive moves in the introduction section of the management field were higher than those in the other two fields. Following management, the psychology field ranked second, while Persian literature ranked third.

Conclusion: Since scientific articles serve as a communication platform for researchers across various scientific fields, the style and genre of writing enhance the comprehensibility of these texts for expert readers. This, in turn, increases the likelihood of citing the article, thereby enhancing its visibility and citation count. The present study demonstrated that one of the internationally recognized models of scientific writing is not adequately followed in our country. This heterogeneity was particularly evident in explaining the rationale and necessity of research in the introduction sections of humanities papers. The most common application of both obligatory and optional steps across all three disciplines is the initial discursive move, which involves identifying the research scope. This indicates that researchers, as authors of the papers, have become more inclined to emphasize the centrality and significance of the topics under investigation. While articulating the rationale for the research is a crucial discursive strategy for comprehending the research topic and is essential for maintaining text coherence as well as facilitating effective communication between the author and the reader, a notable weakness was evident across all three fields concerning the second move. It appears that researchers in all three disciplines devote less attention to elucidating the reasons for and the necessity of their research. The findings of this research are both applicable and feasible for evaluating the current challenges in scientific writing. In this context, two key recommendations have been proposed to improve academic writing in the Persian language. First, there is a need for further research specifically focused on various sections of academic papers, including abstracts, introductions, methodologies, findings, and conclusions. Second, experts should organize training courses at the academic level that incorporate academic writing in the scientific genre as part of graduate education.

Keywords: Academic writing, Discourse community, Genre analysis, Article introductions, CARS model.

بررسی و تحلیل تفاوت‌های بین‌رشته‌ای در ساختار ژانر علمی بخش «مقدمه» مقالات پژوهشی علوم انسانی

رویا پیروی^{*۱}

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

حسین قربانپورآرانی^۲

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: ghorbanpoorarani@yahoo.com

عباس زارعی^۳

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: zare-ee72@kashanu.ac.ir

Email: roya.peyravi@gmail.com

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تحلیل ژانر علمی بخش مقدمه مقالات پژوهشی بر اساس مدل CARS سوئلز به‌عنوان یک الگوی شناخته‌شده در علوم انسانی و نشان دادن تفاوت‌های احتمالی بین‌رشته‌ای آن در این حوزه بود.

روش‌شناسی: این پژوهش به روش تلفیقی بر اساس الگوی CARS و بررسی تفاوت‌های احتمالی بین‌رشته‌ای طراحی شد. داده‌های متنی پژوهش، شامل مقدمه مقالات در سه حوزه تفاوت علوم انسانی بود که عبارت‌اند از: ۱. علوم تربیتی و روان‌شناسی ۲. ادبیات فارسی ۳. مدیریت. در مجموع، ۴۵ مقاله به روش تصادفی خوشه‌ای از بین مقالات مورد تأیید وزارت علوم در دهه اخیر، به‌عنوان نمونه انتخاب شد. این مقالات در بخش کیفی به روش تحلیل محتوا مبتنی بر کدگذاری گام‌ها و زیر گام‌های گفتمانی مدل CARS بررسی شد. سپس، با کمک مقیاس لیکرت، به هر گام به‌عنوان یک متغیر امتیاز داده شد و میانگین امتیاز گام‌ها در بخش کمی برای هر مقاله محاسبه و با آزمون آماری کروسکال والیس به‌صورت بین‌رشته‌ای مقایسه شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاکی از آن بود که رعایت زیر گام‌ها در رشته‌های منتخب به‌طور محسوس و معناداری متفاوت است. مقالات رشته مدیریت بیشترین انطباق را با گام‌ها و زیر گام‌های گفتمانی مدل CARS داشت. گام نخست (تعیین قلمرو پژوهش) و گام سوم (پر کردن خلأ پژوهش) بیشترین انطباق را در هر سه رشته داشت و گام دوم (تبیین خلأ پژوهش) کمترین انطباق مشاهده‌شده در هر سه رشته بود.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان داد که یکی از الگوهای مقبول نگارش علمی در سطح بین‌المللی در کشور ما به‌خوبی رعایت نمی‌شود. این ناهمگونی به‌ویژه در بیان چرایی و لزوم انجام پژوهش مشهودتر بود. از آنجاکه ژانر نوشتار علمی موجب افزایش قابلیت درک متن علمی توسط خواننده متخصص می‌شود. این موضوع موجب افزایش احتمال استناد به مقاله و در نتیجه، افزایش رؤیت پذیری مقاله و استنادات بیشتر می‌شود؛ لذا نتایج به‌دست‌آمده این پژوهش در ارزیابی مشکل موجود کاربردی و قابل اجرا است.

واژگان کلیدی: نگارش دانشگاهی، جامعه گفتمانی، تحلیل ژانر، مقدمه مقالات، مدل CARS.

صفحه ۱۶۰-۱۴۱

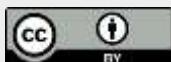
دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

زودآیند: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲



مقدمه و بیان مسئله

نگارش علمی یکی از مهم‌ترین مهارت‌های دانشگاهی و عامل تولید، حفظ و تبادل دانش در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی است. نوشتن یکی از ابزارهای یادگیری و استقلال فکری است و نویسنده را از فردی منفعل به فردی مولد و نظریه‌پرداز تبدیل می‌کند (حسرتی، ۱۳۸۴). بنابراین، تسلط بر نگارش دانشگاهی و به‌تبع آن ارائه مقالات علمی، نه تنها برای دانشجویان بلکه برای حفظ جایگاه و ارتقای شغلی استادان در مجامع علمی، امری ضروری به شمار می‌آید (حیاتی و علیجانی، ۱۳۸۶). سیلوا و ماتسودا (Silva & Matsuda; 2001) معتقدند وظیفه نویسنده فقط ایجاد متنی نیست که مفهوم دقیقی از واقعیت را بیان کند؛ نویسنده همچنین باید از طریق ایجاد متن، دیدگاه خود را با استفاده از عناصر نوشتاری با خواننده به اشتراک بگذارد (Paltridge, 2004). بنابراین نگارش دانشگاهی یک فعالیت در فضایی مجزا نیست؛ بلکه در واقع فعالیتی در شبکه همکاران و مشارکت در یک فعالیت مشترک در جامعه علمی است (Casanave, 2002).

یکی از چالش‌های پیش روی افراد در ورود به جامعه گفتمانی، چگونگی بیان کردن و شناسایی قالب‌های رایج گفتمانی و تغییر گونه و ژانر نگارش از یک حوزه به حوزه دیگر است (طباطبایی لطفی و همکاران، ۱۳۹۸). از آنجاکه نگارش دانشگاهی فرآیندی قاعده‌مند است که در یک چارچوب استاندارد شکل می‌گیرد، فراگیری آن برای ایجاد متنی پیوسته، منسجم و ساختارمند، امری ضروری است که نیاز به آموزش دارد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹). به همین دلیل، الگوهای متعددی برای کمک به نویسندگان مطالب علمی (دانشگاهیان، پژوهشگران، تحلیلگران و غیره) به وجود آمده است که در نشریات علمی استفاده می‌شوند؛ این الگوها ابزارهایی هستند که به نویسندگان کمک می‌کنند در نگارش علمی، طبق یک روش استاندارد و مقبول جامعه علمی عمل کنند. ژانر پردازان این الگوها را سلسله‌مراتب اجتماعی مشخص برای انتقال پیام نویسنده به خواننده از طریق متن می‌دانند (Swales, 1990; Hyland, 2002). نظر به اینکه «مقدمه» به‌عنوان بخش اول مقاله می‌تواند توجه خواننده را جلب کند، بخشی مهمی در نگارش مقاله است. زارع و ناصری (۱۴۰۰) بر این باورند که نوشتن این بخش برای یک نویسنده تازه‌کار بسیار دشوار است؛ چون نمی‌داند چه مواردی را باید طبق اصول جامعه گفتمانی موردنظر و چگونه در این بخش جای دهد. بنابراین وجود یک الگوی ساختارمند؛ به‌ویژه برای نویسندگان تازه‌کار، ضروری به نظر می‌رسد. بررسی اینکه چنین قالبی در نگارش علوم انسانی دانشگاهی در ایران رعایت می‌شود و تا چه حد رواج دارد، موضوعی است که شایسته تحقیق و پژوهش است و ابعاد بلوغ و تکامل نگارش دانشگاهی را تا حدی روشن می‌کند.

در چند دهه اخیر پژوهش‌های ژانرمحور بسیاری در ارتباط با نگارش علمی و تدوین بخش‌های مختلف مقالات پژوهشی بر پایه تحلیل گام به‌عنوان زیرشاخه‌ای از تحلیل ژانر انجام شده است. در این میان می‌توان به تحلیل چکیده مقالات علمی (Samraj, 2002; Salager-Meyer, 1992; Hyland, 2004)، تحلیل چکیده مقالات کنفرانسی (Kaplan et al., 1994)، تحلیل مقدمه مقالات علمی (Swales, 1981; Swales, 1990; Santa, 2015)، تحلیل بخش یافته‌های مقالات علمی (Thompson, 1993)، تحلیل بخش بحث و نتیجه‌گیری (Hopkins & Dudley- Evans, 1988)، تحلیل رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها (Dudley- Evans, 1999)، تحلیل گام‌های مقالات علمی با رویکرد انگلیسی با اهداف ویژه (Samraj, 2002b)، مقدمه پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی (Hussain et al., 2022)، ساختار پایان‌نامه‌های برخی رشته‌های علوم انسانی (Uymaz, 2017)، تحلیل ژانر بخش مقدمه در مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها (Choe, 2014) و تحلیل حرکت‌های بخش چکیده مقالات

(Sánchez, 2018) اشاره کرد. تحقیقات ژانر محور در رشته‌های مختلف به‌طور خاص نیز انجام گرفته است که می‌توان در این بین از تحقیق پوستگیولو (Posteguillo; 1999) در حوزه علوم کامپیوتر و تحقیق نوگو (Nwogu; 1997) در حوزه علوم پزشکی نام برد. با وجود این تلاش‌های بین‌المللی، تحقیق در این چارچوب روی نگارش علمی در زبان فارسی در آغاز راه است. از میان پژوهش‌های انجام شده مرتبط با نگارش علمی در ایران می‌توان بررسی بخش مقدمه مقالات علمی (Atai & Habibi, 2009; زارع و ناصری ۱۴۰۰) و بررسی چکیده مقالات علمی (اکبری و همکاران، ۱۳۹۳؛ زند مقدم و جنتی، ۱۳۹۴؛ گلشایی، ۱۳۹۸؛ طباطبایی لطفی و همکاران، ۱۳۹۸؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۹) را برشمرد. پژوهش‌های پیشین در حوزه نگارش علمی در ایران (نکویی زاده و همکاران، ۱۳۹۹؛ Amirian et al., 2021) نشان داده است که هنجارهای متداول سبک نگارش علمی در سطح بین‌المللی توسط نویسندگان ایرانی رعایت نمی‌شود و این حوزه هم نیازمند پژوهش و هم آموزش جدی است. همچنین، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اغلب تحقیقات انجام شده همسو با این موضوع در ایران، به مقایسه بخشی از مقالات (اغلب چکیده) در مقایسه با نویسندگان زبان انگلیسی پرداخته‌اند؛ برای نمونه (زند مقدم و جنتی، ۱۳۹۴؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۹) و تا جایی که نتایج جستجو در این تحقیق نشان می‌دهد، هیچ پژوهشی صرفاً به بررسی مقدمه مقالات علمی در زبان فارسی نپرداخته است. نظر به اینکه، نحوه و ساختار نوشتن مقالات علمی بستر ارتباطی علم و پژوهشگران بوده و موجب آگاهی محققان از آخرین نتایج علمی می‌شود، ساختار مقاله از اهمیت زیادی برخوردار است و از هدر رفت زمان و منابع پژوهشگران جلوگیری می‌کند (بهرزفر و داورپناه، ۱۳۸۸). مخاطب مقالات علمی، متخصصان علمی هستند که برای بیان حقایق علمی یا گزارش نتایج پژوهش، از سبک و ساختار خاصی استفاده می‌کنند که در آن جامعه علمی رواج و مقبولیت دارد. این ساختار، موجب برقراری ارتباط بهتر با مخاطب و انتقال منظور اصلی نویسنده به خواننده می‌شود. استفاده از کلمات کلیدی و رعایت ساختار منطقی در نوشتن مقدمه مقالات، می‌تواند به درک بهتر خواننده و در نتیجه، استناد بیشتر به مقاله مقبول شود که این امر به سهم خود، باعث افزایش رؤیت پذیری و پیدایی مقاله می‌شود. مطالعات فراوانی درباره رابطه بین افزایش رؤیت پذیری و افزایش میزان استنادات وجود دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به مطلب ارائه شده، اهمیت ژانر نوشتار علمی در مقالات علمی-پژوهشی مشخص می‌شود. از سوی دیگر، بخش مقدمه مقالات که در واقع زمینه‌ساز ورود خوانندگان و مخاطبان مقالات (یعنی جامعه علمی مرتبط با قلمرو علمی) به بخش اصلی بیان‌کننده پژوهش و نتایج است، اهمیت بسیاری دارد و توجه دقیق‌تر به رعایت ژانر علمی و مطالعات بیشتری در مورد رعایت آن در مقالات مرتبط احساس می‌شود. به همین دلایل، در پژوهش حاضر، تحلیل ژانر مقدمه مقالات فارسی در سه رشته علوم انسانی از نظر رعایت فرم و گام‌های گفتمانی و نیز معنا و محتوای مورد انتظار در این گام‌ها بر اساس مدل CARS^۱ مورد توجه قرار می‌گیرد تا در راستای ارتقای گفتمان موجود و پاسخ به این مسئله، گامی هرچند کوچک برداشته شود و این‌که آیا مقدمه مقالات، زمینه مناسب را برای ورود به متن اصلی که بیان‌کننده هدف اصلی پژوهش است، فراهم می‌کند؟

پرسش پژوهش

گام‌های گفتمانی مشاهده شده در متن مقدمه مقالات رشته‌های علوم انسانی کدامند و تا چه اندازه با مدل CARS سوئلز انطباق دارند؟

۱. کارس، سرنام متشکل از حروف نخست واژگان عبارت Creating A Research Space است.

فرضیه پژوهش

بین فراوانی به‌کارگیری گام‌های گفتمانی ژانر محور در رشته‌های بررسی شده تفاوت معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

در سال‌های اخیر، توجه به ژانر یا گونه خاص نوشتار؛ به‌ویژه ژانر علمی و دانشگاهی و متعاقباً تأثیر آن بر آموزش و یادگیری نحوه نگارش کاملاً مشهود است. دلیل اصلی این توجه، پی بردن به اهمیت چگونگی استفاده از زبان برای بیان یا پاسخ به یک موقعیت اجتماعی و چگونگی تغییر این زبان در طول زمان است (فتوحی، ۱۳۹۱). ژانر نه تنها به‌عنوان یک چارچوب قابل استناد برای تحلیل ساختار و کارکرد گفتمان بلکه ابزاری کاربردی در زمینه‌های بلاغی و نوشتار حرفه‌ای نیز محسوب می‌شود (Martín, 2003). اگرچه ژانر پردازان بر این باورند که ژانرها، الگوهای اجتماعی مشخص استفاده از زبان هستند (Hyland, 2002; Yunick, 1997; Hyon, 1996)، اما تحلیل ژانر تنها به تأثیر بافت اجتماعی در به‌وجود آمدن یک متن نمی‌پردازد؛ بلکه ژانر بر ساختار متن در جامعه گفتمانی و راه‌هایی برای ایجاد انسجام بلاغی متن در بافت اجتماعی آن جامعه نیز تمرکز دارد (Martín, 2003). سوئلز (Swales, 1990) در توصیف خود از ژانر، جامعه گفتمانی را به‌عنوان مولد ژانر معرفی می‌کند و مفهوم جامعه گفتمانی را برآمده از بررسی‌های نظریه پردازان ساختارگرا می‌داند. از نظر سوئلز جامعه گفتمانی شش مشخصه بارز دارد که عبارت است از: ۱. داشتن مجموعه‌ای گسترده از اهداف مشترک ۲. عمل کردن بر اساس ارتباط متقابل بین اعضا ۳. استفاده از سازوکارهای مشارکتی ارائه اطلاعات و دریافت بازخورد ۴. استفاده از یک یا چند ژانر برای پیشبرد اهداف گفتمانی ۵. داشتن واژگان مخصوص ۶. داشتن دانش تخصصی و صلاحیت گفتمانی مقبول و متناسب آن جامعه.

هایلند (Hyland; 2002) نیز بر این باور است که یک جامعه گفتمانی، با محتوا، ساختار و تعامل خاص خود تعریف می‌شود و ژانرها اغلب الگوهایی هستند که در این جوامع گفتمانی ساخته و حفظ می‌شود. مفهوم کنونی ژانر نه تنها شامل بررسی فرم‌های متعارف یک جامعه است بلکه ویژگی‌های متون مشابه و چگونگی استفاده از آن‌ها را در بستر اجتماعی که منجر به تولید آن متون شده را نیز مدنظر دارد. فتوحی (۱۳۹۰) به نقل از ژاک دریدا در مقاله «قانون ژانر»، یک ژانر را برآیندی از تک‌تک متن‌ها می‌داند؛ یعنی ماهیت ژانر از دل مشخصه‌های متون بیرون می‌آید نه اینکه متن‌ها متعلق به آن ژانر باشند. این مشخصه‌ها همان شیوه‌ای است که یک متن را به متون مشابه و محدودیت‌های اعمال‌شده بر نویسندگان آن متون مرتبط می‌کند (Martín, 2003).

روش‌های متعددی برای تحلیل ژانر وجود دارد؛ اما هدف مشترک همه آن‌ها بررسی عملکرد اجتماعی زبان است (Martín, 2003). بر اساس نظر یون (Hyon; 1996)، سه مکتب ژانر محور با برداشت‌ها و رویکردهای آموزشی متفاوت به ژانر وجود دارند: ۱. رویکرد زبان‌شناسی کارکردی قاعده‌مند^۱ که با عنوان مکتب سیدنی^۲ نیز شناخته می‌شود و هدف آن تحلیل فرم و کارکرد زبان در متون است ۲. رویکرد بلاغت نوی آمریکای شمالی^۳ که هدف آن تحلیل متن در بطن کنش‌های اجتماعی است و ۳. رویکرد انگلیسی برای اهداف ویژه^۴ که با هدف تحلیل گام‌های متون در رشته‌های مختلف شکل گرفته است. در چند دهه گذشته، این سه مکتب مبنای مطالعات ژانر غیرادبی را فراهم کرده‌اند (Tardy & Swales, 2014).

1. Systematic Functional Linguistics (SFL)
2. Sydney School
3. New Rhetoric (NR)
4. English for Specific Purposes (ESP)

در تحلیل گام‌های گفتمانی متون مختلف، هدف ارتباطی از نظر سوئلز (Swales; 1990) «معیار اولیه برای احراز هویت» ژانر است؛ یعنی معیاری برای تمایز یک ژانر از سایر ژانرها؛ به‌عنوان مثال هدف ارتباطی یک کتاب درسی با یک مقاله پژوهشی متفاوت است. رابطه ژانر و جوامع گفتمانی، رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی ژانرها در جوامع گفتمانی شکل می‌گیرند و همین ژانرها، شیوه و نوع نگارش آن جوامع را تعیین می‌کنند؛ مثلاً برای نگارش یک رزومه کاری، اطلاعاتی خاص به صورت مختصر بیان می‌شود و با گذشت زمان این شیوه به چگونگی نوشتار افراد در این ژانر شکل می‌دهد. الگوی اولیه تحلیل گام سوئلز (Swales, 1981) و مدل CARS (Swales, 1990) که در سال ۱۹۹۰ میلادی ارائه و در آثار بعدی وی (Swales, 2004; 2014) تکمیل شد، امروزه در تحلیل گام‌های بخش مقدمه مقالات علمی از تأثیرگذارترین مدل‌هاست. این مدل از سه گام اصلی و تعدادی زیر گام تشکیل شده و به نویسندگان مقالات علمی و پژوهشی کمک می‌کند تا از همان ابتدا در مقدمه مقاله، استدلال‌ها و منطق نگارش خود را به شکلی واضح و قانع‌کننده، تنظیم و ارائه کنند. از سوی دیگر، رعایت این الگو که در بخش‌های بعد به‌طور خلاصه آمده به خواننده کمک می‌کند تا با مرور مقدمه مقاله، منظور نویسنده و استدلال‌های او را بهتر درک کند (Swales, 2014).

در گام اول؛ یعنی ایجاد قلمرو پژوهش^۱، نویسنده قلمروی اصلی پژوهش را مشخص و زمینه را برای طرح موضوع فراهم می‌کند. این گام شامل دست‌کم یک یا چند زیر گام اختیاری است بدین معنی که حداقل یکی از زیر گام‌های زیر باید در این گام رعایت شود ولی محدودیتی در رعایت سایر زیر گام‌ها وجود ندارد و نویسنده می‌تواند یک، دو یا هر سه زیر گام را در این گام ارائه دهد: الف. زیر گام ادعای اهمیت موضوع یا مرکزیت توجه که از طریق آن، نویسنده جامعه گفتمانی (مخاطبان مقاله) را قانع می‌کند که پژوهش ارائه‌شده، بخشی از یک حوزه تحقیقاتی زنده و پویا، مهم یا تثبیت‌شده است. برای طرح این مدعا ممکن است عباراتی همچون موارد زیر در نوشته به کار رود: «موضوع ... اخیراً مورد توجه بسیاری قرار گرفته است.» یا «موضوع ... در قلمرو ... از اهمیت زیادی برخوردار است.» ب. زیر گام عمومیت بخشیدن به مسئله یا موضوع که از طریق آن، نویسنده درباره وضعیت فعلی، سطح دانش موجود در باب موضوع مورد بررسی، سایر مطالعات یا پدیده‌های مرتبط با آن مواردی را ارائه می‌کند که عمومی بودن مسئله یا درک فعلی جامعه گفتمانی از مسئله یا موضوع را نشان می‌دهد. مثلاً عباراتی نظیر جملات زیر در این خصوص به کار می‌رود: «همه ابعاد و ویژگی‌های ... هنوز به‌طور کامل درک نشده است.» یا «... یک درک یا یافته شایع درباره ... است.» ج. زیر گام بررسی پیشینه موضوع که از طریق آن، نویسنده مقاله علمی آنچه در مورد موضوع یافته شده و اینکه چه کسی آن را یافته است، پیشینه‌ای ارائه می‌کند. مثلاً «سوئلز ادعا می‌کند که ... (Swales, 2014) یا «برخی مطالعات نشان داده‌اند که ... (Swales, 2014)». در گام دوم؛ یعنی ایجاد جایگاه ویژه پژوهش^۲، نویسنده استدلال می‌کند که پژوهش او در تحقیقات موجود در قلمرو مورد نظر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ بدین معنی که یک مسئله جاری و فاقد پاسخ‌های روشن وجود دارد که می‌تواند با تحقیقات تکمیلی کامل شود. طبق این مدل، نویسنده می‌تواند به چهار طریق زیر با چهار زیر گام، جایگاه ویژه خود را ایجاد کند:

الف. زیر گام ادعای متقابل که از طریق آن، نویسنده تحقیقات قبلی را رد می‌کند یا آن را به چالش می‌کشد. برای نمونه، چنین عبارتی قابل انتظار است: «در حالی که سوئلز معتقد است که ... بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این موضوع ناقص است / قابل بهبود است.» ب. زیر گام نمایان ساختن خلأ تحقیقات که از طریق آن، نویسنده نشان

1 . Territory
2 . Niche

بررسی و تحلیل تفاوت‌های بین‌رشته‌ای در ساختار ژانر علمی بخش «مقدمه» مقالات پژوهشی علوم انسانی

می‌دهد که تحقیقات قبلی به همه پرسش‌های موجود پاسخ قانع‌کننده نمی‌دهد یا به‌اندازه کافی به مسائل و مشکلات موجود نمی‌پردازد. برای نمونه: «درحالی‌که مطالعات موجود به‌وضوح ... را مشخص کرده است، ... را موردتوجه قرار نداده است». ج. زیر گام طرح پرسش که از طریق آن، نویسنده درباره تحقیقات قبلی پرسش‌هایی مطرح و پیشنهاد می‌کند که تحقیقات بیشتری لازم است انجام شود. مثلاً: «درحالی‌که تحقیقات فعلی نشان می‌دهد که ...، این یافته‌ها پرسش‌های بیشتری ایجاد می‌کند؛ از جمله، ...». د. زیر گام ادامه یک سنت تثبیت‌شده که از طریق آن، نویسنده تحقیق خود را نوعی بسط مفید از تحقیقات موجود معرفی می‌کند که بیش‌ازپیش موجب روشن‌تر شدن ابعاد آن می‌شود: «به نظر می‌رسد مطالعات قبلی ... را پیشنهاد می‌کند. برای تأیید این یافته تحقیقات بیشتری نیاز است.»

در گام سوم که به گام پر کردن جایگاه مشخص‌شده^۱ معروف است، نویسنده فضای تحقیق خود را برای پر کردن جایگاه مشخص‌شده در گام دوم تشریح می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، نویسنده مشخص می‌کند که چگونه ادعای متقابل مطرح‌شده را اثبات می‌کند، یا چگونه شکاف شناسایی‌شده را پر می‌کند، یا چگونه به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ می‌دهد، یا چگونه به سنت تحقیقاتی ادامه می‌دهد. نویسنده این گام را نیز می‌تواند در چند زیر گام ببیند که حداقل یکی از دو زیر گام اول آن اجباری است: الف. زیر گام تشریح اهداف پژوهش ب. زیر گام معرفی تحقیق حاضر که از طریق آن، نویسنده به تشریح و توضیح تحقیق خود می‌پردازد ج. زیر گام اعلام یافته‌های احتمالی د. زیر گام تبیین ساختار مقاله که از طریق آن، نویسنده پیش‌نمایش کلی و فهرست‌وار از سازماندهی مطالب مقاله به خواننده ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش

بر اساس رویکرد ژانرمحور به نگارش علمی به‌طور عام و مدل سوئلز در نحوه نگارش مقدمه مقالات علمی به‌طور خاص تحقیقات بین فرهنگی پراکنده‌ای در ایران گزارش شده است. عطایی و حبیبی (Atai & Habibi, 2009) ساختار سبکی و مغایرت‌های موجود در مقدمه ۹۰ مقاله از مجلات معتبر علمی را بررسی کرده‌اند. این مقالات در سه رشته زبان‌شناسی کاربردی (انگلیسی با اهداف ویژه)، روان‌شناسی زبان و جامعه‌شناسی زبان بر اساس مدل CARS سوئلز تحلیل شده‌اند. نتیجه پژوهش وجود مغایرت در گام دوم را نشان می‌دهد که با توجه به مفاهیم رشته‌های «دیرپا» و «نوپا» توجیه‌پذیر است. خانی و تازیک (Khany & Tazik, 2010) به بررسی مقابله‌ای الگوی ژانرمحور و تفاوت‌ها و شباهت‌های بلاغی بخش مقدمه و بحث ۸۰ مقاله پژوهشی بین‌المللی و ایرانی در رشته زبان‌شناسی کاربردی بر اساس مدل سویلز (Swales, 2004) و نوگو (Nwogu, 1997) پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در بخش مقدمه بین دو گروه وجود ندارد؛ اما تفاوت‌های قابل توجهی در بخش بحث مشاهده شده است. آن‌ها بر این باورند که نتایج این تحقیق، ابزار مناسبی برای بهبود نگارش پژوهشگران به دست می‌دهد. در تحقیق اکبری و همکاران (۱۳۹۳)، تعداد ۳۰ مقاله از دو مجله ایرانی و تعداد ۳۰ مقاله از دو مجله خارجی برای شناسایی تفاوت‌های ساختاری در بخش چکیده آن‌ها بررسی شده و طبق نتایج، بین چکیده مقالات داخلی و خارجی در مشخص کردن خلأ پژوهش و نتایج ناهماهنگ تحقیق تفاوت‌های معناداری وجود دارد. زندمقدم و جنتی (Zand-Moghadam & Jannati, 2016) در پژوهشی به بررسی و مقایسه گونه کلام، حرکت‌ها و ساختار بلاغی چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در دو رشته آموزش زبان انگلیسی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پرداخته‌اند. بدین منظور، آن‌ها تعداد ۸۰ چکیده (۴۰ چکیده از هر رشته) از دو رشته یادشده از بین پایان‌نامه‌های

ارائه شده بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ میلادی در دانشگاه علامه طباطبائی انتخاب کرده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان داد که چکیده‌های پایان‌نامه‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در مقایسه با چکیده‌های آموزش زبان انگلیسی از مدل خاصی تبعیت نمی‌کند و از نظر گونه‌ای-حرکتی با چکیده‌های آموزش زبان انگلیسی متفاوت است. دویختی و ظهرابی (Dobakhti & Zohrabi, 2017) به بررسی ژانر مقدمه مقالات پژوهشی به صورت کمی و کیفی با تمرکز بر گام سوم مدل سوئلز (Swales, 2004) پرداخته‌اند. بدین منظور، ۱۵ مقاله پژوهشی کیفی و ۱۵ مقاله پژوهشی کمی در رشته زبان‌شناسی کاربردی از پنج مجله شناخته شده انتخاب شده است. این مطالعه به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بخش مقدمه در هر دو نوع مقاله پرداخته و تفاوت‌های موجود را ناشی از ماهیت متمایز پژوهش‌های کمی و کیفی می‌داند. در پژوهش کیفی موسوی و همکاران (۱۳۹۵) چگونگی توسعه آگاهی از ژانر رشته تخصصی بررسی شده است. چارچوب نظری استفاده شده در این پژوهش، مدل «تعامل» هایلند و روش تحقیق نیز در فاز اول تا سوم این کار، روش قوم‌نگارانه و تفسیری و در فاز چهارم، تحلیلی است. بر اساس این پژوهش، تکامل پژوهشگران در ژانر تخصصی طی چهار مرحله «وابستگی، تردید، آگاهی و تخصص» ایجاد می‌شود. سودمند افشار و همکاران (Soodmand Afshar et al., 2018) نیز به تحلیل ژانر بخش مقدمه ۱۰۴ مقاله، در دو رشته زبان‌شناسی کاربردی و شیمی با استفاده از چارچوب سوئلز (Swales, 2004) و دیدگاه سایر پژوهشگران پرداخته‌اند. تحلیل کمی داده‌ها حاکی از وجود تنوع قابل توجهی در فروانی گام‌ها و زیر گام‌های بین دو رشته است. همچنین در این پژوهش از تحلیل کیفی برای درک دلایل این گوناگونی استفاده شده است. نویسندگان بر این باورند که یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای دانشجویان، پژوهشگران و نویسندگان تازه‌کار مفید باشد. پژوهش ابراهیمی و ویسی (Ebrahimi & veisi, 2019) به بررسی وجوه تشابه و تفاوت‌های بلاغی در بخش مقدمه نشریات علوم رایانه‌ای ایرانی و بین‌المللی (هرکدام ۱۵ مقاله) پرداخته و از مدل CARS سوئلز (Swales, 2004) با هدف تحلیل مقالات منتخب استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد، برخی عناصر بلاغی با فراوانی چشمگیر در مقدمه این مقالات استفاده شده‌اند که بر اهمیت کاربرد آن‌ها در این سبک نگارشی صحنه می‌گذارد. همچنین، فقدان یا ترجیح کمتر نویسندگان در مورد استفاده از برخی مفاهیم بلاغی نیز در این مقالات شناسایی و توصیه‌هایی برای بهبود نگارش مقدمه مقالات علوم رایانه‌ای پیشنهاد شده است. این یافته‌ها بر ضرورت استفاده از رویکرد آموزشی نگارش مبتنی بر ژانر علمی برای دانشجویان با هدف ارتقای کیفیت نگارش مقدمه مقالات تأیید می‌کند. گلشائی (۱۳۹۸) در تحقیق خود به بررسی چکیده پایان‌نامه‌های فارسی در سه شاخه علوم پایه، علوم انسانی و فنی مهندسی به منظور تعیین گام‌های بلاغی و تمایزات و تشابهات آن‌ها پرداخته است. از هر شش رشته ۴۰ چکیده از سامانه ایرانداک شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری بر اساس مدل پنج حرکتی هایلند (۲۰۰۰) از نظر ساختار بلاغی بررسی و کدگذاری شده است. نتایج این پژوهش نشان داده که الگوی غالب بیشتر رشته‌ها، الگوی مقدمه-هدف-روش-نتایج و الگوی هدف-روش-نتایج است. در این میان تفاوت‌هایی بین رشته‌های فلسفه، شیمی و دیگر رشته‌ها مشاهده شده است. پژوهش طباطبائی لطفی و همکاران (۱۳۹۸) با به‌کارگیری شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی، ۶۰ مقاله اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پایه و پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳ را به منظور مشخص کردن میزان انطباق چکیده مقالات با مدل دادلی-ایوانز (با روش تحلیل متن) و وجود تفاوت بین این مراحل در مقالات علوم انسانی با علوم پایه و پزشکی (با روش آزمون غیر پارامتریک من ویتنی یو^۱) بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که

بررسی و تحلیل تفاوت‌های بین‌رشته‌ای در ساختار ژانر علمی بخش «مقدمه» مقالات پژوهشی علوم انسانی

بیشترین گوناگونی در چکیده‌های بررسی شده، مربوط به زیر گام‌های دوم و سوم از گام ششم بوده و تفاوت معناداری در دیگر گام‌های چکیده‌ها وجود ندارد. ملک‌زاده (۱۳۹۹) تحقیقی را به منظور تحلیل ژانر در ۱۰۰ چکیده از مقالات تحقیقی رشته‌های مترجمی و ادبیات انگلیسی انجام داده است. این تجزیه و تحلیل با پیروی از مدل CARS نشان داده تفاوت‌های بارزی در نمایش شکاف مورد نظر در ادبیات موضوع بین این دو رشته وجود دارد. همچنین چکیده‌هایی که شامل کمتر از سه گام هستند اغلب مبهم‌اند؛ به‌ویژه برای خواننده‌ای که خارج از جامعه علمی تحقیق باشد. پژوهش زارع و ناصری (۱۴۰۰) به بررسی مقدمه ۱۰۰ مقاله مروری از مجلات علمی برجسته بین‌المللی، عمدتاً در رشته‌های زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی پرداخته است. به این منظور از روش تحلیل دو مرحله‌ای مبتنی بر گام و زیر گام (مدل CARS سونلز) و رویکرد تحلیل کلامی پیکره محور استفاده شده است. مقالات مروری انگلیسی کدگذاری و وجود یا عدم وجود گام‌ها و زیر گام‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ مشخص شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مقدمه مقالات مروری با مقدمه مقالات پژوهشی از نظر بلاغی تفاوت اندکی دارد. این پیشینه، شامل تحقیقاتی در مورد چگونگی استفاده از گام‌ها و زیر گام‌های گفتمانی اجباری و اختیاری در مقالات نوشته شده به زبان فارسی در حوزه علوم انسانی است و در آن داده‌های تجربی زیادی وجود ندارد؛ همچنین تفاوت‌های احتمالی بین‌رشته‌ای در این حوزه نیز نامشخص است.

با بررسی پیشینه پژوهش‌هایی که با استفاده از مدل CARS انجام شده است، به تنوع استفاده از گام‌ها و زیر گام‌ها در رشته‌های مختلف و تفاوت‌هایی که بین رشته‌ها از نظر بلاغی و گونه کلام و تشریح فضای پژوهش وجود دارد، پی می‌بریم. وجود این تفاوت‌ها استفاده از مدل سونلز را برای انجام تحقیقات بیشتر بین‌رشته‌ای توجیه می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

در راستای هدف اصلی این پژوهش که بررسی میزان انطباق بخش مقدمه مقالات علمی قلمرو علوم انسانی با مدل CARS سونلز است، از روش‌های کمی (بررسی و مقایسه فراوانی) و کیفی (خوانش و کدگذاری و تحلیل محتوا) در دو بخش متفاوت استفاده شد. در راستای پاسخگویی به پرسش و آزمون فرضیه، علاوه بر کاوش بیشتر در پیشینه، مدل CARS به عنوان چارچوب نظری پژوهش معرفی و گام‌ها و زیر گام‌های اصلی مقدمه مقالات علمی معرفی و نحوه بررسی کمی و کیفی آن‌ها در مقالات منتخب ارائه می‌شود. در بخش کیفی پژوهش، محتوای مقالات منتخب با روش تحلیل محتوا برای یافتن شواهدی مبنی بر رعایت گام‌ها و زیر گام‌های اجباری و اختیاری مقدمه پژوهشی به دقت بررسی و تحلیل شد. بدین منظور از روش کدگذاری برای استخراج شواهد مورد نظر استفاده شده است و برای پایایی و اعتبار آن از چند کدگذار استفاده شد. در جدول ۱ خلاصه‌ای از الگوی CARS برای گام‌ها و زیر گام‌های مقدمه مقالات علمی بر اساس پیشینه ارائه شده است؛ از این الگو برای بررسی کیفی گام‌های داده‌های متنی پژوهش استفاده شد.

پژوهشگران روند کدگذاری (شناسایی گام‌ها و زیر گام‌ها) و نحوه خوانش واحدهای کدگذاری (جملات مقدمه مقاله) و مفاهیم جدول ۱ را با هم مرور کردند و در اندک موارد اختلاف در کدگذاری با کمک یکدیگر به توافق رسیدند (ضریب توافق = ۹۸ درصد). در بخش کمی پژوهش، میزان رعایت گام‌های مدل نظری با استفاده از مقیاس لیکرت^۲ امتیازدهی شده و فراوانی گام‌های رعایت شده و میانگین امتیازات مربوط به رعایت مدل در سه رشته مورد نظر

1 . MAXQDA

2 . Likert

جدول ۱ خلاصه‌ای از الگوی CARS برای مقدمه مقالات علمی بر اساس سوئلز (swales, 1990).

گام‌ها	زیر گام‌ها
گام ۱: مشخص کردن قلمرو تحقیق (حداقل وجود یک زیر گام الزامی است).	۱- ادعای اهمیت یا محوریت موضوع پژوهش. ۲- عمومیت بخشیدن به مسئله یا موضوع پژوهش. ۳- بررسی پیشینه موضوع.
گام ۲: ایجاد جایگاه ویژه (حداقل وجود یک گام الزامی است).	۱- بیان ادعای متقابل. ۲- نشان دادن شکاف تحقیق. ۳- طرح پرسش. ۴- ادامه یک سنت تثبیت شده.
گام ۳: پر کردن جایگاه (گام ۱-الف یا ۱-ب الزامی و گام ۲ و ۳ اختیاری است).	۱- تشریح اهداف پژوهش. ۲- معرفی تحقیق حاضر. ۳- بیان یافته‌های اصلی. ۴- تبیین ساختار مقاله.

با آزمون آماری کروسکال والیس^۱ اندازه‌گیری و با کمک نرم‌افزار اسپ‌اس‌پی‌اس^۲ مقایسه شده است. با توجه به اینکه متغیر ما از نوع رتبه‌ای بود، این آزمون انتخاب شد. در واقع، ترتیب امتیازدهی در طیف انتخاب شده لیکرت بیشتر مبین انطباق داشتن یا نداشتن و انطباق بیشتر یا کمتر با مدل CARS بود و میزان بهتر بودن یا نبودن متغیر مدنظر نبود (متغیر فاصله‌ای نبود). از سوی دیگر، توزیع داده‌ها در دو خوشه جداگانه بود و شباهتی به توزیع نرمال نداشت. به همین دلیل، آزمون کروسکال والیس برای اندازه‌گیری متغیرها انتخاب شد. نمونه‌ای از کدگذاری و امتیازدهی در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری و امتیازدهی مقالات بر اساس گام‌های مدل CARS سوئلز

گام / زیر گام	بخشی از متن متناظر از مقاله	ترتیب ظهور در مقاله	ارزیابی کلامی	امتیازدهی لیکرت (۷-۱)
۱/۱	حدیقه الحقیقه از جمله کتاب‌های شامخ ادبیات عرفانی است که از زمان سرودن، با اقبال فراوانی روبه‌رو شده و بر همین اساس پژوهش‌های بسیاری ...	۱	واضح	۷
۲/۱	شاخص‌ترین کارهای انجام گرفته در حوزه تصحیح حدیقه الحقیقه ...	۳		
۱/۲	با وجود این به نظر می‌رسد که مشکل مفهومی پاره‌ای از ابیات ... هنوز هم برطرف نشده است. با وجود تصحیح‌ها و شروح ... این پژوهش‌ها ... با کاستی‌هایی همراه بوده، از لغزش و اشتباه به دور نیستند.	۲	واضح	۷

1 . Kruskal Wallis Test

2 . SPSS

ادامه جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری و امتیازدهی مقالات بر اساس گام‌های مدل CARS سونلز.

گام / زیر گام	بخشی از متن متناظر از مقاله	ترتیب ظهور در مقاله	ارزیابی کلامی	امتیازدهی لیکرت (۷-۱)
ج ۱/۲	این پژوهش هم در ادامه پژوهش‌های پیشین ...	۴	واضح	۷
د ۱/۲				
الف ۱/۳	شیوه انجام کار بدین گونه است که ...	۵	قابل قبول	۵
ب ۱/۳				
۲/۳				
۳/۳				

چارچوب زمانی دهه اخیر، چارچوب مکانی مؤسسات آموزش عالی ایران، چارچوب پیکره‌ای زبان مقالات حوزه علوم انسانی و محدوده بررسی فقط مقدمه مقالات بود؛ بنابراین تعداد ۴۵ مقاله علمی از نشریات دانشگاه‌های تهران (دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، علامه طباطبایی، الزهرا و خوارزمی) که به زبان فارسی در دهه اخیر (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲) منتشر شده است به روش تصادفی خوشه‌ای نمونه‌گیری و انتخاب شد؛ گفتنی است هدف این پژوهش بررسی مقالات از نشریات خاصی (رشته‌های مدیریت، ادبیات و روان‌شناسی) با توزیع محدود به ده سال اخیر بود. با توجه به اینکه به تمام آحاد جامعه دسترسی وجود نداشت، نمونه‌گیری تصادفی به روش خوشه‌ای انجام شد؛ یعنی ابتدا دانشگاه‌هایی که در رشته‌های موردنظر نشریه داشتند انتخاب و سپس مقالات از نشریه‌ها به‌طور تصادفی انتخاب شدند. همچنین برای ایجاد امکان مقایسه رعایت الگوی موردنظر در جوامع گفتمانی متفاوت، این مقالات از میان مقالات سه رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی، ادبیات فارسی و مدیریت و از هر رشته ۱۵ مقاله با تعداد کلمات نزدیک به هم انتخاب شدند. تفاوت داشتن رشته‌ها به دلیل گفتمان تخصصی در هر یک بدان معنی است که می‌توان میزان انطباق الگوی موردنظر در این پژوهش را در انواع متفاوتی از جوامع گفتمانی نسبت به حالتی که رشته‌ها از یک نوع باشد یا گرایش‌های مختلف یک رشته باشد، مقایسه کرد. رشته‌های ادبیات فارسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی و مدیریت هر سه از مجموعه علوم انسانی‌اند و به دلیل متجانس بودن نوع دانش و موضوعات پژوهشی این رشته‌ها، قابلیت مقایسه بین آن‌ها وجود دارد و این نوع مقایسه معنی‌دار است.

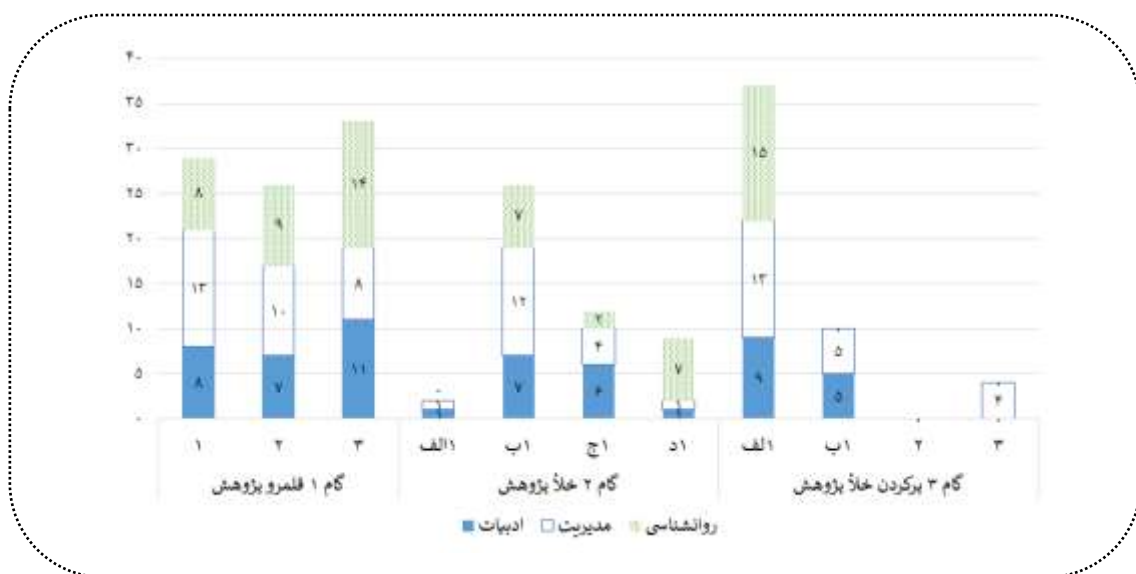
متغیر اصلی پژوهش که با توجه به پرسش‌های پژوهش تعیین می‌شود در این پژوهش «میزان رعایت شدن گام‌های گفتمانی» در مقدمه مقالات دانشگاهی است؛ با تعیین مقادیر عددی بعد از کدگذاری مقالات توسط پژوهشگران، تفاوت‌های بین‌رشته‌ای نیز بررسی شد. با توجه به اینکه این گام‌ها از نوع بلاغی و نه دستوری است، هر گام از نظر اندازه ممکن است از یک گزاره تا یک پاراگراف تغییر کند؛ بنابراین در این تحقیق، ابتدا با استفاده از روش تحلیل محتوا به کشف و استخراج شواهد موجود در متن مقالات که مرتبط با گام‌های گفتمانی بر اساس مدل سونلز است، پرداخته شد و سپس بر اساس کیفیت شواهد یافته شده، رعایت شدن یا نشدن گام موردنظر به مقدار عددی نیز تبدیل شد؛ در تحلیل جملات مقدمه مقالات (بخش کیفی پژوهش مربوط به پرسش نخست) ممکن است چند حالت رخ دهد: ۱. شواهدی مبنی بر رعایت گام مندرج در مدل یافت نشود یا موارد مطرح‌شده ارتباط معنایی با آنچه از گام موردنظر انتظار می‌رود، نداشته باشد. در این حالت، نتیجه می‌گیریم که گام موردنظر رعایت نشده است. (امتیاز ۱) ۲. شواهد جزئی (از نظر معنایی یا کلامی) از رعایت گام وجود داشته ولی مبهم، کوتاه و سطحی است و نیاز به

تقویت و تعمیق و تدقیق دارد. در این حالت، گام موردنظر با کیفیت ضعیفی رعایت شده است. (امتیاز ۳) ۳. شواهد قابل قبولی مبنی بر رعایت حداقل‌های الزامی مدل چه از نظر کلامی و چه از نظر معنایی یافت شود. در این حالت، کیفیت رعایت گام موردنظر قابل قبول است. (امتیاز ۵) ۴. شواهد قوی و آشکاری از رعایت موارد الزامی و تعدادی از موارد اختیاری مدل یافت شد که چه از نظر کلامی چه از نظر معنایی با مدل انطباق کامل دارد و اهداف موردنظر در گام گفتمانی را مطابق الگوی سوئلز به‌خوبی و روشن نشان می‌دهد. (امتیاز ۷) در این حالت با توصیف کیفیت انطباق، می‌توان متغیر «میزان انطباق» را به شکل «رتبه‌ای» و با استفاده از مقیاس لیکرت نیز اندازه‌گیری و با مقدار کمی مطالعه کرد؛ به این ترتیب، بخش کمی پژوهش نیز قابل انجام می‌شود. به عبارت دیگر، با تبدیل مضامین یافته شده از متن به مقادیر عددی در مقیاس لیکرت، میانگین امتیازات هر گام قابل محاسبه است و میزان انطباق مقدمه مقاله با الگوی سوئلز به دست می‌آید. روش اندازه‌گیری متغیر کمی این روش چنین خواهد بود که با استفاده از یافته‌های حاصل از پژوهش مرحله قبل (پرسش نخست) باید میانگین امتیازات گروه‌های مختلف داده‌ها (رشته‌های مختلف) را به‌منظور بررسی فرضیه‌ها مقایسه کرد. در این مرحله، آزمون فرضیه منجر به تصمیم‌گیری در این‌باره می‌شود. (فرض صفر H0): میانگین امتیازات کسب‌شده از نظر رعایت گام‌های گفتمانی در هر سه گروه برابر است. فرض جایگزین (H1): میانگین امتیازات کسب‌شده در حداقل یک گروه با بقیه متفاوت است.)

یافته‌های پژوهش

پاسخ به پرسش پژوهش. گام‌های گفتمانی مشاهده‌شده در متن مقدمه مقالات رشته‌های علوم انسانی کدامند و تا چه اندازه با مدل CARS سوئلز انطباق دارند؟

یافته‌های تحلیل کیفی مقدمه مقالات در شکل ۱ به‌صورت خلاصه ارائه شده است. در این شکل، محور افقی نشان‌دهنده عناوین گام‌های سه‌گانه و زیر گام‌های آن‌ها در مدل سوئلز است. محور عمودی فراوانی مشاهده هر گام را در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، این شکل فقط تعداد شواهد مشاهده‌شده از هر زیر گام را بدون در نظر گرفتن کیفیت آن نشان می‌دهد.



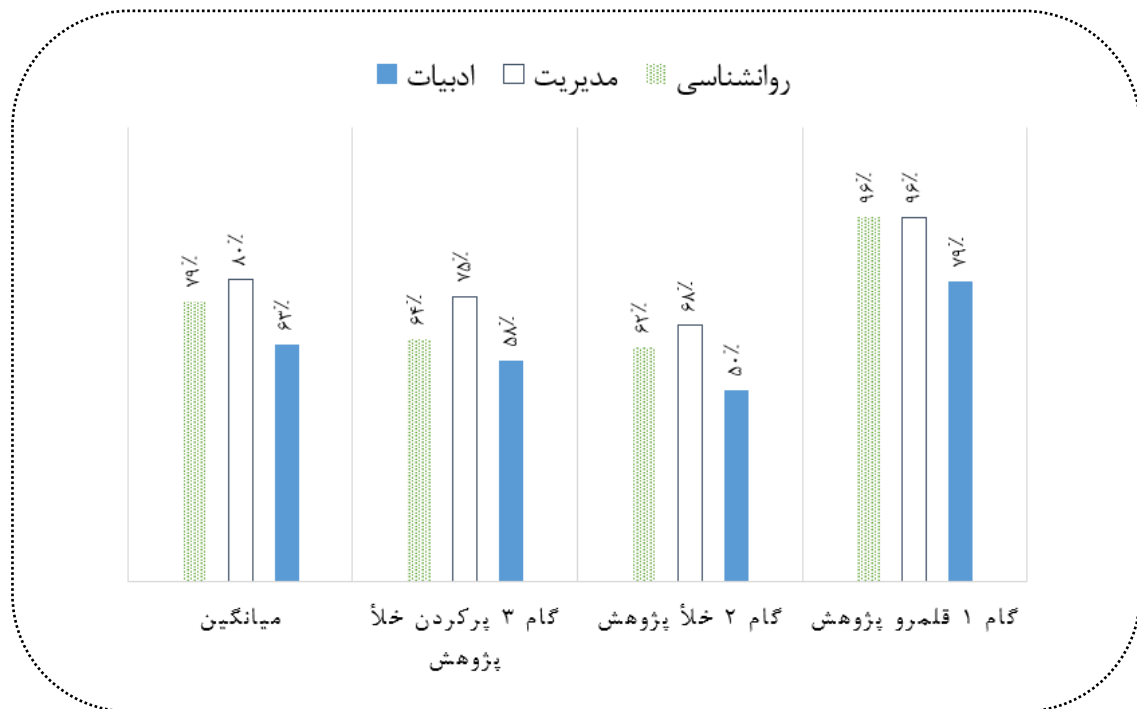
شکل ۱. فراوانی تعداد گام‌های مشاهده‌شده در بررسی ۴۵ مقاله به تفکیک رشته.

بررسی و تحلیل تفاوت‌های بین‌رشته‌ای در ساختار ژانر علمی بخش «مقدمه» مقالات پژوهشی علوم انسانی

همان‌گونه که در این شکل دیده می‌شود، زیر گام سوم از گام نخست (بررسی پیشینه) و زیر گام دوم از گام دوم (نشان دادن شکاف تحقیق) و زیر گام اول از گام سوم (تشریح اهداف پژوهش)، بیشترین فراوانی مشاهده‌شده را دارند. نکته قابل توجه این است که هیچ شواهدی مبنی بر رعایت زیر گام دوم از گام سوم (معرفی تحقیق حاضر) در هیچ یک از رشته‌ها مشاهده نشد. همچنین زیر گام اول از گام دوم (بیان ادعای متقابل) نیز فقط یک مشاهده در ادبیات و یک مشاهده در مدیریت دارد. این یافته به‌تنهایی تصویری از آنچه در نگارش مقدمه این مقالات می‌آید، ارائه می‌کند. به‌طور دقیق‌تر، نویسندگان به‌ندرت تلاش می‌کنند تا نشان دهند کار آنان ادامه یک سنت تثبیت‌شده پژوهشی است، همچنین در پی بیان ادعای متقابل نسبت به آنچه در پیشینه آمده نیستند و به معرفی و تبیین ساختار مقاله در مقدمه آن نمی‌پردازند.

آزمون فرضیه پژوهش. بین فراوانی به‌کارگیری گام‌های گفتمانی ژانر محور در رشته‌های بررسی‌شده تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده در شکل ۲ نشان داده‌شده است. بررسی کمی داده‌های تحقیق نشان داد که میانگین امتیازات کسب‌شده در رعایت گام‌های گفتمانی مقدمه در رشته مدیریت در هر سه گام اصلی از دو رشته دیگر بیشتر است؛ در رتبه دوم رشته روان‌شناسی و سپس رشته ادبیات فارسی قرار دارد. گام نخست در هر سه رشته دارای امتیاز بالاتری از دو گام دیگر است. پس‌از آن گام سوم و سپس گام دوم قرار دارد. این روند در هر سه رشته مشاهده می‌شود.



شکل ۲. میانگین امتیاز کسب‌شده در سه رشته به تفکیک گام‌های گفتمانی مقدمه.

به عبارت دقیق‌تر، ایجاد و معرفی جایگاه ویژه برای پژوهش در مقالات حال حاضر کشور ما در حوزه بررسی شده، کمترین فراوانی را دارد. علاوه بر این، در مقدمه مقالات علمی رشته زبان و ادبیات فارسی رعایت گام‌های لازم در نوشتار علمی به‌طور کلی نمود کمتری دارد.

تحلیل زیر گام‌های هر گام، حاکی از تفاوت چشمگیر میان سه رشته بررسی شده است. زیر گام اول از گام نخست با ادعای اهمیت یا محوریت موضوع پژوهش، اگرچه در هر سه رشته امتیاز بالایی را به خود اختصاص داده است؛ ولی در رشته مدیریت در رتبه اول قرار دارد که نشان می‌دهد که اهمیت موضوع پژوهش در رشته مدیریت بیش از سایر رشته‌ها تبیین می‌شود. گام دوم از مرحله نخست؛ یعنی عمومیت بخشیدن به مسئله پژوهش در هر سه رشته تقریباً یکسان است؛ ولی زیر گام ۳ از گام نخست که پرداختن به پیشینه تحقیق است به‌طور قابل ملاحظه‌ای در رشته روان‌شناسی و ادبیات، کاربرد بیشتری نسبت به رشته مدیریت دارد. بیان ادعای متقابل، کمترین کاربرد را در هر سه رشته دارد؛ به‌طوری‌که در رشته روان‌شناسی چنین ادعایی اصلاً وجود نداشت و در دو رشته مدیریت و ادبیات نیز تنها یک مورد دیده شد. نشان دادن خلأ پژوهش بیشترین کاربرد را در هر سه رشته داشت (به شکل ۲ رجوع شود). البته گفتنی است که رشته مدیریت با اختلاف امتیاز قابل توجهی در بیان خلأ پژوهشی ممتاز بود. طرح پرسش جایگاه ویژه تحقیق را نمایان می‌کند که در رشته ادبیات بیشترین کاربرد و در رشته روان‌شناسی کمترین کاربرد را دارد؛ به این معنا که نویسندگان مقالات ادبی برای تبیین جایگاه ویژه تحقیق به طرح پرسش یا نشان دادن خلأ پژوهش تمایل بیشتری دارند. بخشی از گام سوم؛ یعنی بیان هدف پژوهش بیشترین کاربرد را در هر سه رشته دارد به‌نحوی‌که در رشته روان‌شناسی تنها زیر گام مورد استفاده بود. گفتنی است که معرفی یافته‌های احتمالی پژوهش در هیچ‌یک از مقالات سه گروه یافت نشد.

این موضوع که آیا تفاوت مشاهده شده بین رشته‌ای، تفاوتی معنی‌دار است یا با وجود این اختلاف دیده شده، هر سه رشته به میزان یکسانی گام‌های گفتمانی مدل سوئلز را از نظر فرم و محتوا رعایت می‌کنند یا خیر، در ادامه از طریق بررسی آمار استنباطی آزموده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های سه رشته در نرم‌افزار SPSS.

رتبه‌ها	تعداد (N)	میانگین رتبه
ادبیات (Lit)	۱۵	۱۴.۰۷
مدیریت (Mng)	۱۵	۳۰.۷۳
روانشناسی (Psy)	۱۵	۲۴.۲۰
آماره H		۱۲.۸۸۶
درجه آزادی (df)		۲
سطح معنی‌داری (Sig.)		۰.۰۰۲

برای بررسی تفاوت بین رشته‌ای از نظر آماری، به دلیل رتبه‌ای بودن متغیر و ناپارامتری بودن داده‌ها از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. نتایج مقایسه رتبه‌بندی میزان انطباق مقالات برگزیده با مدل CARS و به عبارت دقیق‌تر، میزان رعایت گام‌های گفتمانی مرسوم در مقاله‌نویسی، در جدول ۳ مشاهده می‌شود. سطح معنی‌داری در این آزمون از ۰.۰۵ کمتر محاسبه شده است ($H=12.89$, $p\text{-value}=0.002$) و به این ترتیب فرض صفر مطرح شده، مبنی بر یکسان بودن عملکرد در بین رشته‌ها رد می‌شود و تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های سه گروه داده‌ها «وجود دارد» و همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد در رشته مدیریت با اختلاف زیاد مقدمه‌های استانداردتری دیده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی کیفی و کمی میزان انطباق مقدمه مقالات پژوهشی قلمرو علوم انسانی در سه رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی، ادبیات فارسی و مدیریت با مدل CARS سوئلز بود. برای این منظور نخست میزان رعایت زیر گام‌های اجباری و اختیاری مربوط به هر گام، بررسی و کدگذاری شد. سپس با توجه به میزان انطباق زیر گام‌ها با مدل سوئلز امتیاز هر گام و در نهایت نمره میانگین رعایت گام‌ها برای هر رشته مشخص و مقایسه شد. نتایج نشان داد که در بخش مقدمه مقالات علوم انسانی، بیشترین کاربرد گام‌های اجباری و اختیاری در هر سه شاخه پژوهشی مربوط به گام اول پژوهش؛ یعنی مشخص کردن قلمرو تحقیق است. این بدان معنی است که پژوهشگران در بیان محوریت و اهمیت موضوع موردبررسی، توفیق بیشتری داشته‌اند. مشخص کردن هدف تحقیق (گام سوم) و زیر گام‌های مربوط به این گام در رتبه دوم قرار داشت و با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، می‌توان گفت که بیشتر پژوهشگران هدف خود را تا حد قابل قبولی تبیین می‌کنند؛ اما کمترین انطباق با مدل CARS مربوط به گام دوم؛ یعنی نشان دادن جایگاه ویژه پژوهش بود. در این گام ضعف عمومی در هر سه رشته آشکار بود و به نظر می‌رسد، محققان این حوزه‌ها توجه کمتری به تبیین علت و ضرورت انجام پژوهش دارند. این در حالی است که بیان علت انجام پژوهش، گامی مهم برای درک موضوع تحقیق و عامل حفظ انسجام متن و ارتباط مؤثر میان نویسنده و خواننده است. این نتایج با یافته‌های اکبری و همکاران (۱۳۹۳) همخوان است. آن‌ها نیز در بررسی ۳۰ مقاله از دو مجله ایرانی و ۳۰ مقاله از دو مجله خارجی برای شناسایی تفاوت‌های ساختاری در مقالات داخلی و خارجی، در مشخص کردن خلأ پژوهش و مشخص کردن نتایج ناهماهنگ تحقیق تفاوت‌های معناداری یافتند. اگرچه روند استفاده از گام‌های گفتمانی در هر سه رشته تقریباً یکسان بود؛ ولی میزان انطباق با مدل CARS از یک رشته به رشته دیگر تفاوت قابل‌توجهی داشت. این تفاوت‌ها از دو جنبه مشهود بود:

۱. میزان استفاده از زیر گام‌های اختیاری که با هدف ایجاد ارتباط مؤثرتر میان نویسنده و خواننده در الگوی CARS مدنظر است، به‌طور چشمگیری از یک رشته به رشته دیگر تفاوت دارد که معنی آن این است که برخی از رشته‌ها در مشخص کردن قلمرو تحقیق، جایگاه ویژه پژوهش و تبیین هدف تحقیق بهتر عمل می‌کنند.
 ۲. کیفیت پیام و مفاهیم موردنظر هر گام در رشته‌های مختلف نیز متفاوت بود. رعایت ژانر علمی صرفاً به معنی به‌کاربردن عبارات خاص نیست؛ بلکه مثلاً وقتی از تشریح پرسش‌های پژوهش سخن گفته می‌شود، انتظار می‌رود این موضوع برای خواننده به‌طور منطقی استدلال شود که مسئله چیست و پرسش‌های پژوهش کدام است و روندی که منجر به پاسخ‌دهی به پرسش‌ها می‌شود، چگونه به درک یا حل مسئله کمک می‌کند. این موضوع به‌ویژه در گام دوم مدل CARS تأکید شده است و کمترین حد رعایت مدل در بین هر سه رشته را نیز در همین گام شاهد بودیم.
- تحلیل و بررسی‌های انجام‌شده و مقایسه بین‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی نشان داد که مقدمه مقالات زیرگروه مدیریت بیشترین تطابق را با مدل CARS دارد و مقالات زیرگروه علوم تربیتی و روان‌شناسی و سپس ادبیات از نظر میزان انطباق به ترتیب در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. اگرچه گام نخست (قلمرو پژوهش) و گام سوم (اهداف پژوهش) بیشترین انطباق را در هر سه رشته داشت و گام دوم (جایگاه پژوهش) کمترین انطباق مشاهده‌شده در هر سه رشته بود؛ ولی رعایت زیر گام‌ها در رشته‌های منتخب به‌طور محسوس و قابل‌اعتنایی متفاوت و در زیر گام‌های گام دوم شاخص‌تر بود.

نتایج حاکی از آن است که نگارش علمی و رعایت قالب ژانر علمی در نوشتار دانشگاهی، دست کم در نوشتن مقدمه مقالات نیاز به توجه و آموزش دارد. دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها لازم است با اصول اولیه و ژانر نگارش علمی مقبول در جوامع علمی در سطح بین‌المللی آشنا باشند تا هم کیفیت تولیدات علمی آن‌ها افزایش یابد و هم قابلیت فهمیده شدن و مشارکت این تولیدات علمی در جوامع تخصصی بیشتر شود. عدم آشنایی با نگارش علمی منجر به تولید مقالاتی غیراستاندارد در زبان فارسی و بالطبع در زبان انگلیسی و در نتیجه، مشارکت پایین در مجامع بین‌المللی می‌شود. بی‌شک، آشنایی بیشتر پژوهشگران کشور با الگوهای معتبر ژانر علمی، از اتلاف وقت و هزینه‌های گزاف و رد مقالات در عرصه‌های داخلی و خارجی نیز جلوگیری خواهد کرد.

پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش

- بر اساس نتایج پژوهش، موارد زیر به‌عنوان اقدامات اجرایی پیشنهاد می‌شود:
- بر اساس نتایج این پژوهش، کمترین انطباق با مدل CARS مربوط به گام دوم؛ یعنی خلأ پژوهش بود. در این گام ضعف عمومی در هر سه رشته آشکار بود و به نظر می‌رسد، محققان توجه کمتری به تبیین علت و ضرورت انجام پژوهش دارند. پیشنهاد می‌شود نویسندگان مقالات علمی چرایی و ضرورت انجام پژوهش را با استفاده از گام‌های پیشنهادی مدل سوئلز با جدیت بیشتری در نوشتن مقالات موردتوجه قرار دهند. این امر گامی مهم برای درک موضوع تحقیق و عامل حفظ انسجام متن و ارتباط مؤثر میان نویسنده و خواننده است که موجب انتقال مؤثرتر پیام نویسنده به خواننده و افزایش احتمال استناد به مقاله می‌شود.
 - دوره‌های آموزشی توسط متخصصان این حوزه در سطح عمومی برای همه نویسندگان متون علمی برگزار شود؛ همچنین نوشتار دانشگاهی در ژانر علمی جزء آموزش‌های پایه و اجباری دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار گیرد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- نظر به اینکه داده‌های این پژوهش محدود بود و تنها در سه شاخه خاص از مقالات حوزه علوم انسانی بررسی شده است، افزایش تعداد مقالات و بررسی دیگر رشته‌های دانشگاهی می‌تواند به نتایج دقیق‌تر و قابل استنادتری مبنی بر مغایرت‌های مرتبط با هر رشته و ساختار سبکی آن‌ها در بخش مقدمه بیانجامد.
- پژوهش‌های بیشتر در زمینه نگارش دانشگاهی و الگوهای ژانر محور؛ به‌ویژه با هدف نگارش بخش‌های مختلف مقالات اعم از چکیده، مقدمه، روش‌شناسی، بیان یافته‌ها و نتیجه‌گیری، تأثیر مطلوبی در بهبود کیفیت نگارش مقالات در زبان فارسی خواهد داشت.
- پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی، دلیل عدم وجود برخی از گام‌ها و زیر گام‌های مهم در تبیین مقدمه مقالات علمی بررسی شود؛ زیرا در این تحقیق صرفاً فراوانی استفاده از این گام‌ها بررسی شد و علت کاستی‌های موجود، موضوع پژوهش ما نبود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه با عنوان مطالعه اجزای گفتمانی بخش «مقدمه» مقالات علمی-پژوهشی از طریق تحلیل محتوا بر اساس مدل CARS سوئلز است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، س.، ستاره، ف.، و حسین چاری، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سنج‌های رؤیت پذیری و ذخیره با شاخص استناد در نظام التمتریکس پلاس. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۱(۳)، ۶۹۳-۶۹۳.
<https://doi.org/10.35050/JIPM010.2016.011>
- کبری، ه.، غضنفری، م.، و حارث‌آبادی، م. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل و مقایسه چکیده مقالات نوشته‌شده توسط محققین ایرانی و خارجی در حوزه پرستاری و مامایی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۶(۳)، ۶۶۵-۶۷۴.
<https://doi.org/10.29252/JNKUMS.6.3.665>
- بهروزفر، ه.، و داورپناه، م. (۱۳۸۸). میزان رؤیت پذیری مقاله‌های مجله‌های علمی ایرانی نمایه شده در مؤسسه اطلاعات علمی ISI در مقایسه با مقاله‌های ایرانی چاپ‌شده در مجله‌های علمی بین‌المللی خارجی مقاله. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۲(۳)، ۸۷-۱۱۳.
https://lis.aqr-libjournal.ir/article_43596.html
- حسرتی، م. (۱۳۸۴). نگارش دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران: حلقه گمشده آموزش عالی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۱(۲-۱)، ۱۰۳-۱۳۸.
https://journal.irphe.ac.ir/article_702520.html
- حیاتی، ز.، و علیجانی، ر. (۱۳۸۶). گزارش نویسی: آیین نگارش علمی مقالات، مجلات، همایش‌ها و کنفرانس‌ها. تهران: دانشگاه پیام نور.
https://press.pnu.ac.ir/book_30042.html
- زارع، ج.، و ناصری، ز. (۱۴۰۰). ساختار بلاغی مقدمه در مقالات مروری انگلیسی. *زبان پژوهی*، ۱۳(۴۱)، ۱۶۷-۱۸۸.
https://zabanpazhuhi.alzahra.ac.ir/article_5419.html
- زارعی، ع.، قربانپور، ح.، و مجد، مرضیه. (۱۳۹۹). ویژگی‌های زبان‌شناختی نگارش دانشگاهی مبتنی بر کاوش در متن مقالات علمی [مقاله کنفرانسی]. *ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران، تهران*.
<https://civilica.com/doc/1041954>
- زندمقدم، ا.، و جنتی، س. (۱۳۹۴). گونه کلام و حرکت در چکیده‌ها: بررسی مقابله‌ای پایان‌نامه‌های دو رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و آموزش زبان انگلیسی. *علم زبان*، ۳(۵)، ۷۲-۵۳.
<https://doi.org/10.22054/ls.2016.7519>
- طباطبایی لطفی، ع.، قاسمی، ط.، و طباطبایی، م. (۱۳۹۸). مقایسه مراحل در چکیده‌های مقالات رشته‌های علوم انسانی و پایه پزشکی طبق مدل دادلی ایوانز. *فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء*، ۱۱(۳۰)، ۲۰۳-۲۲۶.
https://zabanpazhuhi.alzahra.ac.ir/article_3165.html?lang=fa
- فتوحی، م. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
<https://www.iranketab.ir/book/40265-sabk-shenasi>
- گلشائی، ر. (۱۳۹۸). تحلیلی پیکره‌ای از ساختار گفتمانی چکیده‌های پایان‌نامه‌های فارسی در برخی رشته‌های علوم انسانی، فنی مهندسی و علوم پایه. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۹(۱۸)، ۱۵۳-۱۸۱.
<https://doi.org/10.22084/rjhll.2019.18393.1908>

موسوی، ا.، کیانی، غ.، اکبری، ر.، و غفارثمر، ر. (۱۳۹۵). سیر تکاملی آگاهی از ژانر رشته تخصصی با آموزش مهارت‌های نگارش دانشگاهی: یک مطالعه موردی. *جستارهای زبانی*، ۷(۳)، ۱۷۱-۱۹۶.

<https://lrr.modares.ac.ir/article-14-7532-fa.html>

نکویی‌زاده، م.، بوالی، م.، باقری، م. ص.، و رسایی، ا. (۱۳۹۹). تردید افکنی فراگفتمانی در مقاله‌های پژوهشی در زبان‌شناسی کاربردی: بررسی مقایسه‌ای سوژانر «نتایج و بحث» در مقاله‌های نویسندگان غیر انگلیسی‌زبان و انگلیسی‌زبان. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، (۱۰) ۲، ۴۴۸-۴۶۹.

<https://doi.org/10.22059/jflr.2019.286626.662>

Afshar, H. S., Doosti, M., & Movassagh, H. (2018). A Genre Analysis of the Introduction Section of Applied Linguistics and Chemistry Research Articles. *Iranian Journal of Applied Linguistics*, 21(1). <http://ijal.khu.ac.ir/article-1-2856-fa.html>

Akbari, H., Ghazanfari, M., & Haresabadi, M. (2014). Analysis and comparison of research article abstracts published in Iranian and international journals in the field of nursing and midwifery. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 6(3), 665-674. <http://dx.doi.org/10.29252/jnkums.6.3.665> [**In Persian**].

Amirian, Z., Shayanfar, M., & Rezazadeh, M. (2021). Structural Equation Model of Teachers Mindsets, Self-Efficacy, and Emotional Experiences and Iranian EFL Learners' Willingness to Communicate and L2 Motivational Self System. *Journal of English Language Teaching and Learning*, 13(28), 1-17. <https://doi.org/10.22034/elt.2021.48218.2448>

Atai, M. R., & Habibie, P. (2009). Exploring Sub-disciplinary Variations and Generic Structure of Applied Linguistics Research Article Introductions Using CARS Model. *Journal of English Language Pedagogy and Practice*, 2(5), 26-51. https://journals.iau.ir/article_524128.html

Behroozfar, H., Davarpanah, M. (2009). Visibility of articles in Iranian scientific journals indexed in the Institute for Scientific Information (ISI) compared to Iranian articles published in international and foreign scientific journals. *Library and Information Sciences*, 12(3), 87-113. https://lis.aqr-libjournal.ir/article_43596.html [**In Persian**].

Casanave, C. P. (2002). *Writing games: Multicultural Case Studies of Academic Literacy Practices in Higher Education*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781410612366>

Choe, H., & Hwang, B. H. (2014). A Genre Analysis of Introductions in Theses, Dissertations and Research Articles Based on Swales' CARS Model. *Korean Journal of Applied Linguistics*, 30(1), 3-31. <https://doi.org/10.17154/kjal.2014.03.30.1.3>

Dobakhti, L., & Zohrabi, M. (2017). How do Writers Present Their Work in the Introduction Sections? A Genre-Based Investigation into Qualitative and Quantitative Research Articles. *Issues in Language Teaching*, 6(2), 181-207. <https://doi.org/10.22054/ilt.2019.28068.254>

Dudley-Evans, T. (1999). The Dissertation: A Case of Neglect? In P. Thompson (ED), *Issues in E AP writing research and instruction*, 28-36. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3177833>

Ebrahimi, B., & Weisi, H. (2019). Genre Variation in the Introduction of Scientific Papers in Iranian and International Computer Science Journals. *Issues in Language Teaching*, 8(2), 51-82. <https://doi.org/10.22054/ilt.2020.49119.453>

- Ebrahimi, S., Setareh, F., & HosseinChari, M. (2016). Assessing the relationship between the alternative metrics of visibility and social bookmarking with citation index in PLOS altmetrics. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 31(3), 845-864. <https://doi.org/10.35050/JIPM010.2016.011> [In Persian].
- Fotoohi, M. (2013). *Stylistics: Theories, Approaches and Methods [Sabk Shenasi]*. Tehran: So-khan. <https://www.iranketab.ir/book/40265-sabk-shenasi> [In Persian].
- Golshaie, R. (2019). A corpus analysis of the discourse structure of persian theses abstracts in some disciplines of humanities, engineering, and basic sciences. *Researches in Comparative Linguistics*, 9(18), 153-181. <https://doi.org/10.22084/rjhll.2019.18393.1908> [In Persian].
- Hasrati, M. (2023). Academic Writing in Iranian University: The Lost Ring of the Chain, *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 11(1), 138-103. https://journal.irphe.ac.ir/article_702520.html?lang=en [In Persian].
- Hayati, Z., & Alijani, R. (2007). *Report Writing: The Ritual of Scientific Writing for Articles, Journals, Conferences, and Symposiums*. Tehran: Payam-e-Noor University. https://press.pnu.ac.ir/book_30042.html [In Persian].
- Hopkins, A., & Dudley-Evans, T. (1988). A genre-based investigation of the discussion sections in articles and dissertations. *English for Specific Purposes*, 7(2), 113-121. [https://doi.org/10.1016/0889-4906\(88\)90029-4](https://doi.org/10.1016/0889-4906(88)90029-4)
- Hussain, N., Hussain, M. B., & Khan, M. A. (2022). Rethinking PhD Thesis Introductions from Higher Education Perspective: Using the CARS Model. *ARCHIVES OF EDUCATIONAL STUDIES (ARES)*, 2(2), 184-204. <https://ares.pk/ojs/index.php/ares/article/view/37>
- Hyland, K. (2002). Authority and invisibility: Authorial identity in academic writing. *Journal of pragmatics*, 34(8), 1091-1112. [https://doi.org/10.1016/S0378-2166\(02\)00035-8](https://doi.org/10.1016/S0378-2166(02)00035-8)
- Hyland, K. (2004). *Disciplinary Discourses, Michigan Classics Ed.: Social interactions in academic writing*. University of Michigan Press. <https://doi.org/10.3998/mpub.6719>
- Hyon, S. (1996). Genre in Three Traditions: Implications for ESL. *TESOL Quarterly*, 30(4), 693-722. <https://doi.org/10.2307/3587930>
- Jernudd, B. H. (1993). Genre Analysis: English in Academic and Research Settings. John M. Swales. Cambridge: Cambridge University Press, 1990. P. 288. In *Studies in Second Language Acquisition*, 15(1), pp. 125-126. <https://doi.org/10.1017/S0272263100011773>
- Kaplan, R., Cantor, S., Hagstrom, C., Kamhi-Stein, L. D., Shiotani, Y., & Zimmerman, C. B. (1994). On abstract writing. *Text-interdisciplinary Journal for the Study of Discourse*, 14(3), 401-426. <https://doi.org/10.1515/text.1.1994.14.3.401>
- Khany, R., & Tazik, K. (2010). A Comparative Study of Introduction and Discussion Sections of Sub-disciplines of Applied Linguistics Research aArticles. *Journal of Research in Applied Linguistics*, 1(2), 97-122. https://rals.scu.ac.ir/article_10425.html
- Malekzadeh, M. (2020). Genre Analysis of Article Abstract Sections Across Translation Studies and English Literature. *Language Art*, 5(1), 101-114. <https://doi.org/10.22046/LA.2020.06>

- Martín, P. A. M. (2003-04). Genre and Discourse Community. *ES: Revista de filología inglesa*, (25), 153-166.
https://dialnet-unirioja-es.translate.googleusercontent.com/servlet/articulo?codigo=974492&_x_tr_sl=es&_x_tr_tl=en&_x_tr_hl=en&_x_tr_pto=sc
- Mousavi, S. I., Kiany, G., Akbari, R., & Ghafarsamar, R. (2016). The process of developing disciplinary genre awareness through training academic writing skills: A case study. *Linguistic essays*, 7(3), 171-196. <https://lrr.modares.ac.ir/article-14-7532-en.html> [In Persian].
- Nekoueizadeh, M., Bavali, M., Bagheri, M. S., & Rassaei, E. (2020). Metadiscursive Hedging in Research Articles in Applied linguistics: A Comparative Study of Results and Discussion Subgenres written by Iranian Native English Writers. *Journal of Foreign Language Research*, (10) 2, 448-469. <https://doi.org/10.22059/jflr.2019.286626.662> [In Persian].
- Nwogu, K. N. (1997). The medical research Paper: Structure and functions. *English for Specific Purposes*, 16(2), 119–138. [https://doi.org/10.1016/S0889-4906\(97\)85388-4](https://doi.org/10.1016/S0889-4906(97)85388-4)
- Paltridge, B. (2004). Academic writing. *Language teaching*, 37(2), 87-105.
<https://doi.org/10.1017/S0261444804002216>
- Posteguillo, S. (1999). The schematic structure of computer science research articles. *English for specific purposes*, Cambridge University Press, 18(2), 139-160.
[https://doi.org/10.1016/S0889-4906\(98\)00001-5](https://doi.org/10.1016/S0889-4906(98)00001-5)
- Qamariah, H., & Wahyuni, S. (2017). How a Research Article Introduction Structured? The Analysis of Swales Model (Cars) on English Research Article Introductions. *Getsempena English Education Journal*, 4(2), 136-146. <https://ejournal.bbg.ac.id/geej/article/view/744>
- Salager-Meyer, F. (1992). A text-type and move analysis study of verb tense and modality distribution in medical English abstracts. *English for specific purposes*, 11(2), 93-113.
[https://doi.org/10.1016/S0889-4906\(05\)80002-X](https://doi.org/10.1016/S0889-4906(05)80002-X)
- Samraj, B. (2002). Disciplinary variation in abstracts: The case of wildlife behaviour and conservation biology. In J. Flowerdew (ed.), *Academic Discourse* (pp. 40– 56). London: Pearson. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1729692>
- Samraj, B. (2002b). Introductions in research articles: Variations across disciplines. *English for Specific Purposes*, 21(1), 1– 17. [https://doi.org/10.1016/S0889-4906\(00\)00023-5](https://doi.org/10.1016/S0889-4906(00)00023-5)
- Sánchez, J. A. (2018). Applicability and variation of Swales' Cars model to applied linguistics article abstracts. *Elia: Estudios de Lingüística Inglesa Aplicada*, 18, 213-240.
<https://idus.us.es/items/3f33778b-d757-4709-89b0-b238a81617fd>
- Sánta, B. (2015). Introducing the Literary Critic: The CARS Model in the Introductions of Academic Papers in Literary Criticism. *International Journal of English Language & Translation Studies*, 3(2), 84-93. <https://doi.org/10.5281/zenodo.34372>
- Schmitt, N. (2002). Writing. In N. Schmitt (Ed.), *An introduction to applied linguistics*. London: Arnold 252–266. <https://doi.org/10.4324/9780203783733>
- Silva, T., & Matsuda, P. K. (2001). *On second language writing*. Routledge.
<http://tesl-ej.org/wordpress/issues/volume5/ej19/ej19r8/>

- Swales, J. (1981). *Aspects of Article Introductions. Issue 1 of Aston ESP research reports. University of Aston in Birmingham*. <https://books.google.com/books?id=Gok7NAAACAAJ>
- Swales, J. M. (2004). *Research Genres: Explorations and Applications*. Cambridge University Press. <http://dx.doi.org/10.1017/CBO9781139524827>
- Swales, J. (2014). Create a research space (CARS) model of research introductions. *Writing about writing: A college reader*, 12-15. <https://libguides.usc.edu/writingguide/CARS>
- Tabatabaee Lotf, S. A., Qasemi, T., & Tabatabaee, M. S (2018). A Contrastive Move-Analysis Study of the Abstracts of Humanities and Hard/Medical Sciences Based on Dudley-Evans' Model. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 11(30), 203-226. https://zabanpazhuhi.alzahra.ac.ir/article_3165.html?lang=en [In Persian].
- Tardy, C. M., & Swales, J. M. (2014). *Genre analysis. Pragmatics of discourse*, 165-188. <https://doi.org/10.1515/9783110214406-007>
- Thompson, D. K. (1993). Arguing for experimental 'facts' in science: A study of research article results sections in biochemistry. *Written Communication*, 10(1), 106-128. <https://doi.org/10.1177/0741088393010001004>
- Uymaz, E. (2017). An Investigation of the Similarities and Differences between English Literature and English Language Teaching Master's Theses in Terms of Swales' Cars Model. *PEOPLE: International Journal of Social Sciences*, 3(2), 552-562. <https://doi.org/10.20319/pijss.2017.32.552562>
- Yunick, S. (1997). Genres, registers and sociolinguistics. *World Englishes*, 16(3), 321-336. <https://doi.org/10.1111/1467-971X.00067>
- Zand-Moghadam, A., & Jannati, S. (2016). A Contrastive Generic Analysis of Thesis Abstracts of TEFL and TPSOL. *Language Science*, 3(5), 72-53. <https://doi.org/10.22054/ls.2016.7519> [In Persian].
- Zare, J., & Naseri, Z. (2021). The Rhetorical Structure of Introductions in English Review Articles. *Language Research*, 13(41), 167-188. https://zabanpazhuhi.alzahra.ac.ir/article_5419.html [In Persian].
- Zarei, A., Ghorbanpour, H., & Majd, M. (2020). Linguistic Features of Academic Writing Based on Exploration in the Text of Scientific Articles [Conference presentation]. *The Sixth National Conference on Modern Research in the Field of Iranian Language and Literature, Tehran*. <https://civilica.com/doc/1041954> [In Persian].